

# مروری بر نخستین تجربه‌های روزنامه‌نگاری زنان در ایران

## امید مسعودی

قاجاریه را نباید زنان نویسنده‌ای دانست که نوشته‌های خود را برای نشریاتی چون *حبل‌المتین* (۱۳۲۵ ق) به مدیریت *جلال‌الدین حسینی‌کاشانی* و یا *ندای وطن* (۱۳۲۴ ق) به مدیریت *مجدالاسلام کرمانی* می‌فرستادند و متأسفانه اکنون کمتر نام و نشانی از این زنان نویسنده در دسترس است.

بعضی از روزنامه‌ها نیز زنان را تشویق می‌کردند که به آنها نامه بنویسند، به همین دلیل نامه‌های زنان خطاب به روزنامه‌ها بسیار زیاد است. مسایل مورد علاقه زنان متنوع بود ولی بیش از همه به مسایل فرهنگی علاقه داشتند. از این نامه‌ها، می‌توان به شور زنان برای مشارکت در مسایل کشور، وطن‌خواهی و همبستگی آنان بی‌برد علاوه بر آن، این نامه‌ها منبع بسیار مهمی برای درک خواسته‌ها و مسایل مورد نظر زنان در آن برهه از زمان است. *صویراسرافیل* نامه‌ای به امضای «یکی از مخدرات وطن‌دوست» چاپ کرد که نوشته بود: «افسوس می‌خورم که چرا مرد نیستم تا بگویم آن چیزها که می‌دانم، بکنم آنچه را که می‌خواهم، و تا آخرین قطره خون خود را در راه وطن ریزم...» همزمان با تهیه قانون اساسی، زنی نامه‌ای به روزنامه مجلس نوشت و ادعای حق تحصیل برای زنان کرد ولی جواب روزنامه مساعد نبود. زنان، مردان را مسؤول این عقب‌ماندگی می‌دانستند و یکی از زنان نوشت که: «از مردان نباید انتظار هیچ کمک داشت.»<sup>۳</sup> هر چند تعدادی از مردان آزادیخواه صدر مشروطیت از فعالیت‌های سیاسی زنان حمایت

اگر بپذیریم که «مطبوعات، بخش فعال جامعه مدنی هستند»<sup>۱</sup> و وجود زنان را به عنوان نیمی از جامعه غیرقابل انکار بدانیم، آنگاه پرداختن به مسایل روزنامه‌نگاران زن در جامعه را یکی از مسایل ضروری در اطلاع‌رسانی خواهیم دانست.

در این نوشتار، ابتدا به ارائه تصویری تاریخی از نخستین تجربه‌های حضور زنان در مطبوعات ایران پرداخته می‌شود. سپس وضعیت فعلی زنان روزنامه‌نگار ایران مورد توجه قرار می‌گیرد.

در آخرین بخش نیز بر عوامل عدم رضامندی زنان روزنامه‌نگار و نقش آن در عدم حضور فعالانه زنان در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی مرور شده است.

قبل از شروع، این توضیح ضروری است که آنچه در مورد عوامل عدم رضامندی زنان روزنامه‌نگار ایران از اشتغال در مطبوعات در این نوشتار خواهد آمد بیشتر شامل مباحث نظری است زیرا در این زمینه تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. از این رو، اهمیت و ضرورت بررسی میزان رضامندی شغلی روزنامه‌نگاران زن دوچندان می‌شود.

## ۱. نخستین تجربه‌های روزنامه‌نگاران زن ایران

حضور زنان در انقلاب مشروطیت و ضرورت‌های زمان، پای آنان را به محیط‌های مطبوعاتی کشور باز کرد. از این رو، اغلب صاحب‌نظران، تحول در بینش زنان و شروع بیداری‌های سیاسی و اجتماعی آنان را محصول دوران انقلاب مشروطه می‌دانند. دکتر حمید مولانا معتقد است: «عموماً تا انقلاب مشروطه، زنان نقش مهم و قابل توجهی در امور اجتماعی و سیاسی کشور نداشتند.»<sup>۲</sup> نخستین روزنامه‌نگاران زن در دوره

به عقیده دکتر حمید مولانا: «انقلاب مشروطه ایران بنیاد روزنامه‌نگاری و دانش و فرهنگ را بین زنان ایران توسعه داد.»<sup>۶</sup> از سوی دیگر در ارتباط با نخستین زنان اندیشمند و فعال عصر مشروطیت:

«یکی از مورخین جدولی از ۱۲ نفر از زنان فعال در ایران آن دوره تهیه کرده که نشان می‌دهد این زنان از طبقه نسبتاً بالای جامعه بودند که بی‌شک امکان فعالیت برای آنها آسانتر بود. همه این ۱۲ نفر از تحصیلات نسبتاً خوبی برخوردار بودند. از بین آنها ۵ نفر در شهرهایی غیر از تهران فعالیت می‌کردند و به یک نوع کار اشتغال داشتند.»<sup>۷</sup>

همچنین سیدفرید قاسمی در کتاب «راهنمای مطبوعات ایران، عصر قاجار» ۸ مدیر زن در مطبوعات را نام برده است. خانم کحال (دانش)، صدیقه دولت‌آبادی (زبان زنان)، اختر معدلی (سردبیر، زبان زنان)، مریم عمید (شکوفه)، نوابه صفوی (عالم نسوان)، محترم اسکندری و ملوک اسکندری (مدیر و سردبیر نسوان وطن‌خواه)، شهناز آزاد (نامه بانوان).<sup>۸</sup> به این ترتیب از میان زنانی که برای نشریات، مقاله و یا نامه می‌فرستادند چندتن دست به کار شده و خود به عنوان مدیر و یا سردبیر اقدام به انتشار مطبوعات زنان کردند:

«اول روزنامه و یا مجله‌ای که برای بیداری توده نسوان از افق مطبوعات ایران درخشیدن نمود، مجله‌ای به نام (دانش) است که آن را در سال ۱۳۲۸ قمری خانم دکتر حسین کحال‌زاده تأسیس و در طهران منتشر نموده است. اگر بخواهیم به‌طور اجمال از جراید و مجلاتی که در ایران به همت و قلم بانوان تأسیس و منتشر شده نامی ببریم باید پس از مجله دانش، نام روزنامه شکوفه را ذکر کنیم که در طهران به طبع رسیده است. پس از آن روزنامه زبان زنان است که بانو صدیقه دولت‌آبادی آن را در اصفهان تأسیس و منتشر نموده و این اولین روزنامه‌ای است که توانسته است اسم زن به‌خود بگیرد و با فکر و قلم زنان نوشته شود و به‌خصوص با تعصبات خشک که در آن تاریخ در اصفهان وجود داشته، زبان زنان فداکاری‌های زیادی نموده است.»<sup>۹</sup>

نخستین مجلات و روزنامه‌هایی که توسط زنان منتشر شد خواستار حضور فعالانه زنان در مطبوعات بودند:

«زنان فقط به نوشتن نامه و مقاله بسنده نکرده و به انتشار روزنامه و مجله زنان هم

## ■ نخستین روزنامه‌نگاران زن در دوره قاجاریه را باید زنان نویسنده‌ای دانست که نوشته‌های خود را برای نشریاتی چون حبل‌المتین و ندای وطن می‌فرستادند و متأسفانه اکنون کمتر نام و نشانی از این زنان نویسنده در دسترس است.

می‌کردند. با این وجود زنان خواستار حضور مستقل در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بودند و برخی نشریات نیز از آنان حمایت می‌کردند:

«در این میان آزادیخواهان، لیبرال‌ها، سوسیالیست‌ها، نویسندگان و شعرا از زنان پشتیبانی می‌کردند و روزنامه‌هایی مانند صوراسرافیل، حبل‌المتین، مساوات، نوبهار و خصوصاً ایران‌نو و بعداً رعد، هوادار طرح مسایل مربوط به زنان بودند. این روزنامه‌ها به مسایل مربوط به زنان در سایر کشورها نیز توجه داشتند، چنانچه ایران‌نو درباره زنان ژاپن و چین مطالبی نوشت و به‌طور مداوم اخبار مربوط به زنان «حقوق طلب» انگلیس را درج می‌کرد.»<sup>۱۰</sup>

گرچه بسیاری از نوشته‌های زنان در روزنامه‌های عصر مشروطیت بدون نام نویسنده به چاپ می‌رسیده است. اما به تدریج، دختران، همسران و یا خواهران مشروطه‌خواه، مطالب خود را با ذکر نام نویسنده در نشریات به دست چاپ می‌سپردند:

«عده‌ای از زنان که به امور مربوط به مسایل زنان می‌پرداختند دختران، همسران و یا خواهران مشروطه‌خواهان و آزادیخواهان مشهور بودند، مانند محترم اسکندری، صدیقه دولت‌آبادی، مادام پیرم خان و همسر ملک‌المتکلمین. ولی عده‌ای هم با نام‌های نه‌چندان معروف فعالیت می‌کردند مانند شمس کسمائی، خادمه وطن شمس‌النساء، خادمه وطن رئیس مدرسه عالی‌ام المدارس.»<sup>۱۱</sup>

■ هر چند تعدادی از مردان آزادیخواه صدر مشروطیت از فعالیت‌های سیاسی زنان حمایت می‌کردند، ولی با این وجود، زنان خواستار حضور مستقل در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بودند و برخی نشریات نیز از این خواسته آنان حمایت می‌کردند.

پرداختند. متمم قانون اساسی، آزادی مطبوعات را تضمین می‌کرد و این امر به زنان نیز در انتشار مجله و روزنامه کمک کرد. نخستین مجله زنان «دانش» نام داشت که توسط همسر دکتر حسین کحال‌زاده در ۱۳۲۸ ه.ق به چاپ رسید. این مجله هفتگی برای «اخلاق و عادات زنان برای بیداری توده نسوان» منتشر می‌شد. یکی از روزنامه‌های مهم مؤثر زنان «شکوفه» نام داشت که توسط خانم مزین السلطنه منتشر می‌شد، این روزنامه اخبار فعالیت‌های زنان را منتشر می‌کرد و کاملاً روزنامه‌های زنانه بود. روزنامه دیگر «عالم نسوان» بود که روزنامه فارغ‌التحصیلان مدرسه آمریکایی بود و به‌طور کل نسبت به سایر روزنامه‌های زنان، غرب‌گراتر بود. روزنامه «جمعیت نسوان وطن‌خواه» به مدیریت محترم اسکندری منتشر می‌شد. وی زن تحصیل‌کرده‌ای بود که از فرهنگ و ادبیات

دکتر حمید مولانا و دکتر منصوره اتحادیه معتقدند خانم کحال همسر دکتر کحال‌زاده است. در حالی که استاد محیط طباطبایی در کتاب تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران بر این نکته پای می‌فشارد که خانم دکتر کحال هیچ نسبتی با دکتر حسین‌خان کحال‌زاده نداشته است. استاد طباطبایی می‌نویسد:

«روزنامه هفتگی دانش از دهم ماه رمضان ۱۳۲۸ هجری تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹، سی شماره روی کاغذ نیم ورقی و هر شماره‌ای در ۸ صفحه و به مدیری و صاحب‌امتیازی خانم دکتر کحال دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی انتشار یافت و بیش از آنکه سال آن به پایان رسد تعطیل شد.»<sup>۱۱</sup>

استاد طباطبایی سپس می‌نویسد: «خانم دکتر کحال هیچگونه انتسابی با دکتر حسین‌خان کحال‌زاده مدیر روزنامه استقلال ایران نداشت و رشته ارتباط ایشان

### ■ عده‌ای از زنان که به امور مربوط به زنان می‌پرداختند دختران، همسران و یا خواهران مشروطه‌خواهان و آزادیخواهان مشهور بودند.

تعدادی از روزنامه‌ها که توسط زنان بین سال‌های بعد از مشروطه در تهران و شهرستان‌ها منتشر شد

اسم روزنامه	مدیر و سردبیر	تاریخ تاسیس	دوره انتشار	محل انتشار
دانش	خانم کحال	۱۳۲۸-ه. ۱۹۱۰ م	غیرمنظم	تهران
شکوفه	مریم مزین السلطنه	۱۳۲۱-ه. ۱۹۱۳ م	دو هفته یک‌بار	تهران
زبان زنان	صدیقه دولت‌آبادی	۱۳۳۷-ه. ۱۹۱۹ م	دو هفته یک‌بار	اصفهان
نامه بانوان	شهناز آزاد	۱۳۳۸-ه. ۱۹۲۰ م	دو هفته یک‌بار	تهران
عالم نسوان	نوا به صفوی	۱۳۳۸-ه. ۱۹۲۰ م	دو ماه یک‌بار	تهران
جهان زنان	فخر آفاق پارسا	۱۳۳۹-ه. ۱۹۲۱ م	دو هفته یک‌بار	مشهد
نسوان وطن‌خواه	محترم اسکندری	۱۳۰۲ ش - ۱۹۲۳ م	غیرمنظم	تهران
نسوان شرق	مرضیه خانم ضرابی	۱۳۰۴ ش - ۱۹۲۵ م	دو هفته یک‌بار	بندر انزلی

مطلع بوده و از ویکتور هوگو، مونتسکیو و ولتر مثال می‌زد و نسبت به بقیه تندروتر بود. اسکندری بیش از سایرین به مسایل اجتماعی توجه داشت و خواهان تساوی حقوق زن و مرد بود.<sup>۱۲</sup>

«یکی دیگر از روزنامه‌های مهم این دوران «زبان زنان» بود که توسط صدیقه دولت‌آبادی منتشر می‌شد. به‌طور کلی این روزنامه‌ها زنان را با فرهنگ، ادبیات، تاریخ اروپا و جهان آشنا می‌کردند و به مسایل دیگر همچون بهداشت، (حفظ الصحه) خانه‌داری، بچه‌داری، آشپزی نیز می‌پرداختند و زنان را تشویق می‌کردند که به آنها نام ویسند.»<sup>۱۳</sup>

گرچه تاریخ‌نویسان معتقدند اولین نشریه زنان در ایران، نشریه «دانش» است. اما برخی مورخان در مورد خانم دکتر کحال و همسرش اختلاف نظر دارند.

صاحب‌نظرانی چون محمد صدرهاشمی،

### ■ میانگین سال‌های تحصیل روزنامه‌نگاران تمام وقت زن در مطبوعات ایران بیش از میانگین سطح سواد مردان روزنامه‌نگار تمام وقت است.

نسبی نبوده بلکه فنی بوده و هر دو، چشم‌پزشک بوده‌اند.»<sup>۱۲</sup> دکتر مولانا بر این باور است که: «به‌طور خلاصه از انقلاب مشروطه تا سال ۱۹۲۵ در حدود ده روزنامه و مجله مختلف توسط زنان در ایران منتشر شدند. نویسندگان زن همچنین در هیأت نویسندگان سایر روزنامه‌ها کم‌وبیش فعالیت داشتند.»<sup>۱۳</sup>

دکتر مولانا سپس در جدولی مشخصات ۸ روزنامه را به این شرح آورده است:<sup>۱۴</sup> محقق دیگری، مطبوعات زنان را در طول ۸۵ سال انتشار (از ۱۳۲۸ ه. ق تا ۱۳۷۱ ه. ش) با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه در چهار دوره مورد بررسی قرار داده است.

دوره اول از ۱۳۲۸ ه. ق تا ۱۳۲۰ ه. ش دوره دوم از آغاز دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (پایان دوره نهضت ملی شدن صنعت نفت)

دوره سوم از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی

دوره چهارم از ۱۳۵۷ تا ۱۵۰۱۳۷۱

انتشار اولین نشریه خاص زنان با عنوان «دانش» در سال ۱۳۲۸ توسط یک خانم دکتر چشم‌پزشک به نام کمال ۷۵ سال بعد از انتشار نخستین روزنامه در ایران با عنوان کاغذ‌آخبار در سال ۱۸۳۷ میلادی (۱۲۱۶ ش) ۷۵ سال فاصله را نشان می‌دهد. با توجه به انتشار نخستین روزنامه در لندن به فاصله ۲۱۵ سال از انتشار کاغذ اخبار می‌بینیم که نخستین مطبوعات زنان ایران ۳۸۰ سال بعد از چاپ اولین روزنامه در جهان پای به صحنه گذاشته‌اند.

مروری بر تحولات مربوط به فعالیت‌های روزنامه‌نگاران زن نشان می‌دهد که از سال ۱۲۹۹ ه. ش (۱۳۳۷ ق) تا حدود سال ۱۳۰۶ شمسی - در طول هفت سال - حدود

(۱۳۲۷-۱۳۲۳)، زن امروز (۱۳۲۷-۱۳۲۳)، بانو (۱۳۲۶-۱۳۲۳)، ندای زنان (۱۳۲۶-۹) و در دوران ملی شدن صنعت نفت (۱۳۳۰-۱۳۳۲) نیز نشریات جهان زنان (۱۳۳۰)، نزهت (۱۳۳۰) و حقوق زنان (۱۳۳۱) انتشار می‌یابند.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی هیچ نشریه خبری در این زمینه انتشار نیافت و نشریات اطلاعات بانوان (۱۳۳۶-۱۳۵۷) و زن‌روز (۱۳۴۳-۱۳۵۷) نیز در راستای سیاست‌های حکومت منتشر می‌شدند. بعد از انقلاب اسلامی تاکنون نیز حدود ۲۱ نشریه خاص زنان انتشار یافته‌اند که در حال حاضر حدود هشت نشریه در این زمینه منتشر می‌شوند. پیام هاجر، محبویه، الطاهره، زن‌روز، ندا، پگاه، پیام زن و زنان (دو مجله محبویه و الطاهره برای خارج از کشور منتشر می‌شوند).<sup>۱۶</sup>

## ■ برای یافتن دلایل عدم حضور فعالانه زنان در مطبوعات و صداوسیما، مسأله انگیزه‌های شغلی و میزان رضامندی آنان از کار در مطبوعات به عنوان یکی از مهمترین مسائلی مطرح است.

هشت نشریه خاص زنان انتشار یافت که بعضی از شهرستان‌ها را نیز در برمی‌گرفت. زبان‌زنان در اصفهان و بعد در تهران (۱۲۹۹ . ش)، عالم نسوان (۱۳۳۸ ق)، نامه بانوان (۱۲۹۹ ش) و جمعیت نسوان وطنخواه ایران (۱۳۰۲ ش) در تهران، جهان زنان در مشهد و بعد در تهران (۱۲۹۹ ش)، نامه نسوان شرق در بندرانزلی (۱۳۰۴ ش) و مجله پیک سعادت نسوان در رشت (۱۳۰۶ ش) که مجله عالم نسوان با ۱۳ سال انتشار؛ بیشترین عمر را داشته است.

در طول سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ شمسی نیز تنها دو نشریه «دختران ایران» و «نامه بانوان» در شیراز و تهران انتشار می‌یابند. در دهه ۲۰، به دلیل فضای خاص سیاسی جامعه، شاهد گسترش مطبوعات زنان هستیم:

مجله عالم زنان (۱۳۲۳-۱۳۲۴)، رستاخیز ایران - که بخشی از نشریه به مسائلی زنان اختصاص داشت - (۱۳۲۱-۱۳۲۴)، بیداری ما

محمد رضا) ۱/۷ نفر بوده است و با توجه به اینکه در زمان شاهان قاجار و رضاخان تعداد زنان باسواد بسیار محدود بود و اکنون نسبت زنان باسواد به نحو قابل توجهی بالا رفته است، این تعداد زن به هیچ‌عنوان نمی‌تواند خلاء موجود در مورد نیازهای جامعه روبه تکامل را پاسخگو باشند (در زمان محمد رضا نسبت مذکور ۲/۸ بوده است). و در مقایسه با سال‌های قبل از انقلاب، این نسبت بسیار اندک است.<sup>۱۷</sup>

براساس تحقیق انجام شده توسط دکتر مهدی محسنیان‌راد و همکاران (۱۳۷۱) از میان ۲۱۴۵ نفر روزنامه‌نگار کشور تنها ۲۷۸ نفر را زنان تشکیل می‌دهند.<sup>۱۸</sup>

۱۳ درصد از روزنامه‌نگاران ایرانی را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. نسبت ۱۳ را با ۸۷ مقایسه می‌کنیم بدون اینکه بگوییم این نسبت به هنجار است یا ناهنجار. آنچه که مهم است حضور همین ۱۳ درصد در این بخش، قابل توجه است میانگین سن خانم‌های روزنامه‌نگار در ایران ۳۳ سال است که میانگین کمی است. یعنی در ایران با یک گروه روزنامه‌نگار جوان مواجهیم. میانگین سن روزنامه‌نگاران مرد ۳۲ سال است و خود این جوان بودن جامعه روزنامه‌نگاران ایرانی، مسائلی خاص خودش را دارد. بیشترین گروه سنی مربوط به ۳۷ درصد زنان روزنامه‌نگار است که حدود ۳۱ تا ۴۰ سال دارند. سابقه فعالیت زنان روزنامه‌نگار بسیار کم است. میانگین سابقه کار روزنامه‌نگاری این جماعت ۳/۳ سال است. پس روزنامه‌نگاران زن، سن بالایی ندارند و تجربه کمی دارند و میانگین سابقه خدمتشان از مردان حدود ۲ سال کمتر است. اصولاً ما این مشکل را در سطح کشور در حوزه روزنامه‌نگاران داریم. در بررسی دیگری که انجام شده می‌بینیم ۶۰ درصد روزنامه‌نگاران زن ایرانی با مطبوعاتی همکاری دارند که به نحوی با دولت یا نهادهای دولتی متصل هستند. ۴۰ درصدشان مستقل هستند و با مطبوعاتی که وابسته به سازمان‌های مطبوعاتی مثل کیهان و اطلاعات هستند همکاری می‌کنند. حدود ۲۲ درصد روزنامه‌نگاران زن در کار خبر هستند و تحصیلات این گروه خوب است. میانگین سطح تحصیلات این خانم‌ها در حدود لیسانس است. یعنی تقریباً ۱۶ سال سنوات سال‌های تحصیلاتشان است. حدود ۱۸ درصد زنان روزنامه‌نگاران دارای تحصیلات فوق‌لیسانس

آنچه را که ذکر کردیم شامل نشریاتی است که تا سال ۱۳۷۱ منتشر می‌شدند و اکنون که در سال ۱۳۷۶ به سر می‌بریم از طرف هیأت نظارت بر مطبوعات کشور برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی امتیاز، روزنامه زنان به نام خانم «فائزه هاشمی» صادر شده است.

۲. نقش زنان روزنامه‌نگار در مطبوعات ایران

در بررسی وضعیت اشتغال زنان روزنامه‌نگار ایران به نسبت جمعیت زنان و زنان تحصیل کرده، آمار و ارقام تصاویری ناخوشایندی را ترسیم می‌کنند:

«در مقابل هریک سالی که از حیات انقلاب اسلامی گذشته است، ۱/۶ نفر زن در مجموع فعالیت‌های طراز بالایی مطبوعاتی فعال بوده‌اند، در حالی که این نسبت در دوران قبل از انقلاب اسلامی (عهد قاجار تا سرنگونی

عنوان شغل	دوره‌های تاریخی					
	سال نامشخص	قبل از انقلاب اسلامی				
صاحب‌امتیاز	قبل از سال ۱۳۲۰	۱۳۲۰-۱۳۳۰	۱۳۳۱-۱۳۳۲	۱۳۳۳-۱۳۳۴	۱۳۳۵-۱۳۳۶	۱۳۳۷-۱۳۳۸
	۵/۶	۵۳/۹	۷/۱	۱۹/۷	۸/۵	۱۰۰
	۲/۲	۳۷/۲	۲/۳	۳۹/۵	۱۱/۶	۱۰۰
مدیر	۳/۷	۱۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۳۵/۰	۱۰۰
سر دبیر	۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۳۵/۰	۱۰۰

همانگونه که مشاهده می‌شود حضور مدیران زن در مطبوعات کشور طی دوره ۱۳۲۰-۱۳۳۱ شمسی بیشتر از دوره‌های دیگر است. و حضور زنان روزنامه‌نگار به عنوان مدیران زن بعد از انقلاب اسلامی کمتر از دوره ۱۳۴۴-۱۳۵۶ است که بیشتر ناشی از وضعیت کشور طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۸ می‌باشد. فعالیت‌های صنفی زنان روزنامه‌نگار طی دو دهه ۴۰ و ۵۰ در کل مطبوعات کشور و به ویژه در تهران کاملاً محسوس است. زنان روزنامه‌نگار در ایسن ایسام، همچون

مطبوعات مشغول کار هستند و ۹۴۰ نفر بقیه به مشاغل غیرمطبوعاتی اشتغال دارند.<sup>۲۲</sup> با توجه به تعداد افزونتر زنان دانشجو در رشته علوم ارتباطات به اهمیت مضاعف حضور زنان متخصص در مطبوعات و صداوسیما بیشتر واقف می‌شویم: «هم اکنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی حدود ۸۰ درصد دانشجویان علوم انسانی، اجتماعی و ارتباطات اجتماعی را دختران تشکیل می‌دهند و مشخصاً و دقیقاً برابر ۳۹۳ نفر دانشجوی پسر در رشته

و در حدود ۶ درصد آنها دارای دکترای هستند. این جمعیت حدود ۳۰۰ نفر می‌شوند. مجموع روزنامه‌نگاران زن در ایران - که بخشی از اینها استاد دانشگاه هستند و تخصص دارند - بابت همکاری مزد دریافت می‌کنند - تعریفی که برای روزنامه‌نگار وجود دارد این است که در قبال کاری که انجام می‌دهد، مزد دریافت کند.»<sup>۱۹</sup> براساس این تحقیق، میانگین سال‌های تحصیل روزنامه‌نگاران تمام وقت زن در مطبوعات ایران بیش از میانگین سطح سواد مردان روزنامه‌نگار تمام وقت است.<sup>۲۰</sup>

براساس آمار مسؤولان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، تعداد بانوان شاغل در صداوسیما در ۲۲ دی ماه ۱۳۷۵، بدون احتساب زنانی که در صنعت هنر سینما به کار اشتغال دارند ۱۸۰۰ نفر (۱۷۰ نفر تهیه‌کننده، کارگردان، نویسنده و پژوهشگر، ۲۰۰ نفر عوامل فنی مانند فیلمبردار، صدابردار، طراح صحنه و...) تعداد خانم‌های شاغل در بخش خبر سیما (خبرنگار و نویسنده) ۶ نفر است. آمار زنان شاغل در مرکز شهرستان‌های صداوسیما نیز ۳ نفر دستیار خبر، ۱۰ نفر کارمند خبری، ۱۲ نفر دبیر خبر و ۱ نفر گوینده خبر اعلام شده است. به این ترتیب زنان فقط ۱۵ درصد شاغلین در صداوسیما را تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر براساس آمارهای ارائه شده در سمینار «زن و رسانه‌ها»، جمعیت زنانی که در صنعت هنر سینما مشغول به کارند چیزی حدود ۹۰۰ نفر است.<sup>۲۱</sup>

در بررسی علت این امر، یعنی سهم کمتر اشتغال زنان در مطبوعات کشور، مسأله انگیزه‌های شغلی و میزان رضامندی آنان از مطبوعات به عنوان یک مسأله دارای اهمیت فراوان است.

«تجربه ۲۲ ساله آموزش روزنامه‌نگاری با به عبارت عامتر آموزش علوم ارتباطات در ایران باید امروز معیارهای لازم را به ما داده باشد. تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم ارتباطات در این ۲۲ سال حدود یک‌هزار نفر برآورد شده است که تنها ۶۰ نفر از آنان در

### ■ براساس یک تحقیق، بین سال

۱۳۲۰ تا سال ۱۳۶۸ از میان ۱۳۳

زن روزنامه‌نگار تعداد ۷۱ نفر

صاحب‌امتیاز، ۴۳ نفر مدیر و ۲۰

نفر سردبیر بوده‌اند.

### ■ بررسی‌های تاریخی نشان

می‌دهد که فعالیت‌های صنفی

زنان روزنامه‌نگار طی دو دهه

۳۰ و ۵۰ در کل مطبوعات کشور

و به ویژه در تهران کاملاً

محسوس بوده است.

روابط عمومی، تعداد ۱۲۰۲ دانشجوی دختر در این رشته به تحصیل اشتغال دارند. همچنین تعداد دانشجویان پسر در رشته روزنامه‌نگاری ۱۳۳ نفر است. اما تعداد دختران ۳۳۷ نفر می‌باشد و این در حالی است که در همه رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاه‌ها، بدون استثناء، تعداد دانشجویان پسر بیشتر از دختران است.<sup>۲۳</sup>

براساس تحقیقی که به‌منظور بررسی وضعیت صاحبان‌امتیاز، مدیریت و سردبیری نشریات ویژه زنان از قبل از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۶۸ انجام شد، مشخص گردید که از میان ۱۳۴ زن روزنامه‌نگار تعداد ۷۱ نفر صاحب‌امتیاز، ۴۳ نفر مدیر و ۲۰ نفر سردبیر بوده‌اند. این ارقام فراز و فرودهایی طبق جدول زیر داشته داشت: ارقام به درصد است.<sup>۲۴</sup>

براساس تحقیقی که به‌منظور بررسی وضعیت صاحبان‌امتیاز، مدیریت و سردبیری نشریات ویژه زنان از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۶۸ انجام شد، مشخص گردید که از میان ۱۳۴ زن روزنامه‌نگار تعداد ۷۱ نفر صاحب‌امتیاز، ۴۳ نفر مدیر و ۲۰ نفر سردبیر بوده‌اند. این ارقام فراز و فرودهایی طبق جدول زیر داشته داشت: ارقام به درصد است.<sup>۲۴</sup>

روان‌نگاران مرد به بسیاری از کارهای مربوط به روزنامه‌نگاری چون: نویسندگی، ترجمه، خبرنگاری، مدیریت نشریه، سردبیری و حتی امور فنی، چون: صفحه‌آرایی و تنظیم فنی مطالب می‌پرداختند. در سال ۱۳۵۰ تنها انجمن صنفی زنان روزنامه‌نگار به عنوان «انجمن زنان روزنامه‌نگار» تأسیس شد. هدف انجمن زنان روزنامه‌نگار ایران «حمایت از حقوق بانوان روزنامه‌نگار» بود و دو نوع عضو داشت: دایمی و وابسته. تعداد اعضای این انجمن در دهه ۵۰ به ۳۸ عضو دایمی و ۵۰ عضو وابسته رسید.<sup>۲۵</sup> این شکل صنفی وابسته به «انجمن جهانی زنان روزنامه‌نگار و نویسندگان»<sup>۲۶</sup> بوده است.

«انجمن زنان در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۰ طبق تقاضای انجمن جهانی زنان روزنامه‌نگار و

نویسنده به منظور حمایت از حقوق بانوان روزنامه‌نگار شکل گرفت و در ساختار آن یک هیأت‌مدیره و یک هیأت مشاور وجود داشت که در نخستین انتخابات تعیین شدند. ریاست هیأت‌مدیره بر عهده اعظم سپهرخادم مدیر وقت مجله «پست ایران» گذاشته شد.<sup>۲۷</sup>

در حال حاضر زنان روزنامه‌نگار ایران فاقد تشکیلات صنفی مستقل‌اند و تنها تعدادی از روزنامه‌نگاران زن در «انجمن صنفی نویسندگان و روزنامه‌نگاران مطبوعات کشور» که در ۹ مهرماه ۱۳۷۶ تشکیل شد، حضور دارند و در هیأت‌مدیره این انجمن تنها یک خانم به عنوان عضو علی‌البدل حضور دارد.

### ۳. ضرورت بررسی عوامل عدم رضامندی زنان روزنامه‌نگار ایران

برای یافتن دلایل عدم حضور فعالانه زنان در مطبوعات و صداوسیما، مسأله انگیزه‌های شغلی و میزان رضامندی آنان از کار در مطبوعات به عنوان یکی از مهم‌ترین مسایل مطرح است.

شکی نیست که عدم حضور فعال زنان در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و عدم مشارکت آنها در سرنوشت جامعه، یکی از موانع اصلی عدم توسعه در کشورهایی چون کشور ما است.

تعداد اندک نشریات و پایین بودن تیراژ آنها که با استانداردهای یونسکو نیز بسیار فاصله دارد یکی از دلایل عدم اشتغال نیروی انسانی در بخش وسایل ارتباط جمعی است. حضور پررنگ‌تر زنان می‌تواند مطبوعات را برای رسیدن به معیارهای یونسکو یاری رساند:

«مجمع عمومی ملل متحد در ۱۹۶۱، براساس پیشنهاد یونسکو قطعنامه‌ای تصویب کرد. به موجب این قطعنامه یونسکو برای توسعه وسایل ارتباط جمعی در کشورهای جهان سوم، استانداردها و حداقل‌های مشخصی را که برای هر ۱۰۰ نفر جمعیت ۱۰ نسخه روزنامه روزانه، ۵ گیرنده رادیو، ۲ گیرنده تلویزیون و دو صدلی سینما در نظر گرفت، موردنظر قرار داد. براساس مطالعه‌های یونسکو چنین ذکر شده که این حداقل‌ها می‌تواند مبنای توسعه آینده وسایل ارتباط جمعی در جهان سوم باشد. در حالی که در کشورهای پیشرفته برای هر ۱۰۰ نفر بیش از ۵۰ نسخه روزنامه روزانه وجود داشته و در حال حاضر هم این تعداد افزایش یافته است. به طوری که ژاپن و

برخی از کشورهای اسکاندیناوی و انگلستان و به دنبال آن بعضی دیگر از کشورهای غربی، همه دارای بیش از ۵۰ نسخه روزنامه روزانه برای هر ۱۰۰ نفر روزنامه‌خوان می‌باشند.<sup>۲۸</sup>

به نظر می‌رسد اکنون که جمعیت کشور به حدود ۶۰ میلیون نفر رسیده است برای رسیدن به استاندارد یونسکو لازم است ۶ میلیون نسخه تیراژ مطبوعات روزانه باشد. در حالی که براساس برخی گزارش‌های غیررسمی تیراژ مطبوعات ما در سال ۱۳۷۵ به دشواری از مرز یک میلیون نسخه گذشته است.

این تعداد اندک مطبوعات و از آن بدتر حضور کم‌رنگ زنان، یعنی نمایندگان نیمی از جمعیت کشور در این نشریات، یکی از معضلات جامعه در امر مهم ارتباطات اجتماعی است که می‌بایست دلایل و ریشه‌های آن بررسی شده و راه‌کارهای مناسب از سوی برنامه‌ریزان سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ارائه شود.

کارشناسان توسعه عقیده دارند که باید اهمیت بیشتری به نقش زنان در جامعه داده شود، زیرا هیچ ملتی نمی‌تواند به طور واقعی توسعه یافته تلقی شود، مادامی که نیمی از جمعیتش مجزا شده و از تبعیض رنج می‌برد.

در برنامه‌های توسعه باید اهمیت خاصی برای مشکلات ویژه زنان قایل شده و اطمینان یافت که منابع کافی برای برآوردن نیازها و انتظارات آنها اختصاص داده شده است.

کارشناسان از این رو افزایش بهره‌وری زنان را عامل مهم توسعه می‌دانند:

«امروزه در جامعه روبه رشد ایران نقش و اهمیت نیروی انسانی «زنان» در فرایند تولید و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به عنوان مهم‌ترین عامل شناخته شده است.»<sup>۲۹</sup>

به همین منظور: «تأکیدهای خاصی که در گزارش نهایی کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای مطالعه دربارهٔ مسایل ارتباطات» در سال ۱۹۸۰ بر نقش ارتباطات در برنامه‌های توسعه ملی و استفاده از سیاست‌های ملی ارتباطی در جهت «تحکیم استقلال و توسعه متکی به خود» و مسؤلیت خاص روزنامه‌نگاران در این زمینه گذاشته شده است، نمونه توجه فزاینده جهان سوم به کاربردهای ارتباطات در جهت پیشرفت و استقلال ملی است.»<sup>۳۰</sup>

با توجه به تعداد اندک زنان شاغل در رسانه‌های جمعی کشور، اکنون این پرسش

مطرح است که آیا به راستی زنان به دلیل عدم رضامندی شغلی، به کار در مطبوعات نمی‌پردازند؟ یا عوامل دیگری در این عدم اشتغال مؤثر هستند.

پرسش دیگری که می‌تواند عنوان شود، این است که در صورت عدم رضامندی شغلی، عوامل این نارضایتی کدامند؟

محققان در بررسی‌های خود عوامل متعددی مانند شرایط ویژه کار، نوع شغل، سلسله مراتب و عوامل دیگری چون اعتبار، قدرشناسی از کار، رضایت‌بخشی، مشارکت در اتخاذ تصمیم، امنیت شغلی، فرصت‌های مساوی و عادلانه برای پیشرفت و ارتباط صحیح و مناسب میان مدیر و کارمند را از جمله عوامل ایجاد انگیزش در نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری و در نتیجه رضایت شغلی می‌دانند.<sup>۳۱</sup>

### ۱۰ درصد روزنامه‌نگاران زن ایرانی با مطبوعاتی همکاری دارند که به نحوی به دولت یا نهادهای دولتی متصل هستند.

برخی عوامل اجتماعی را به عنوان عامل مؤثر در اشتغال زنان بر شمرده‌اند:

«از دیدگاه اجتماعی می‌توان گفت که تغذیه، آموزش و سن ازدواج از شاخص‌های مهم اجتماعی است که در اشتغال زنان تأثیرگذار می‌باشد.»<sup>۳۲</sup>

محقق دیگری عوامل و ویژگی‌های فرهنگی را در عدم اشتغال زنان در مطبوعات مؤثر می‌داند:

«روحیه شرقی و به ویژه روحیه حاکم و عقیده رایج در کشور ما نیز شرایط خاص خود را ایجاد می‌کند که نمی‌توان آن را تنگنا نامید ولی در نهایت غالب زنان ما برای حفظ حرمت زنانه و رعایت قواعد اخلاقی و شرعی در نهایت درجه آن رغبت چندانی به کار در محیط‌های مردانه از خود نشان نمی‌دهند.»<sup>۳۳</sup>

عدم جذب فارغ‌التحصیلان زن رشته‌های

علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری در مطبوعات نیز مشکل دیگری است: «در تحقیقی که دکتر محسنیان‌راد انجام داده است برخی از دلایل عدم اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم ارتباطات در مطبوعات به این شکل بیان شده است: وجود مشکلات عدیده در قسمت استخدامی و دردهای تعهد و گزینش، پایین بودن دستمزدها، وابستگی مطبوعات به ارگان‌های دولتی و شرایط دشوار استخدام، حفظ سابقه خدمت در حرفه‌ای که قبلاً داشته‌اند، نامناسب بودن شغل روزنامه‌نگاری، پیدا نکردن شغل مطبوعاتی»<sup>۳۲</sup> میترا باقریان عمده مواردی را که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیت‌های مطبوعاتی می‌داند در دو بخش اقتصادی و فرهنگی برمی‌شمارد:

### ۱-۳. موانع اقتصادی

الف: صاحب سرمایه نبودن زنان؛

### ■ در سال‌های گذشته زنان

### بسیاری به حرفه

### روزنامه‌نویسی روی آورده‌اند

### و گاه به موفقیت‌هایی نیز

### رسیده‌اند اما این حضور

### استمرار نداشته است.

ب: تعجیل در جای‌گیری، در اولین فرصت شغلی قابل دستیابی؛

ج: درآمد کم حاصل از فعالیت‌های مطبوعاتی.

### ۲-۳. موانع فرهنگی

الف: عدم شناخت زنان از توانایی‌هایشان؛

ب: مجال ندادن به نگرش‌ها و اندیشه‌های متفاوت و نو؛

ج: پایین بودن سطح عمومی سواد در زنان؛

د: نشناختن موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی؛

ه: عدم درک جامعه از توانایی‌های بالقوه زنان.<sup>۳۵</sup>

برخی نیز ضعف‌های شخصی و ادراکی زنان از محیط اجتماعی را به عنوان مشکل زنان برای اشتغال در مطبوعات نمی‌پذیرند بلکه این مسأله را نیز ناشی از بافت فرهنگی جامعه تلقی می‌کنند:

«بیشتر از یک‌ونیم قرن از چاپ نخستین روزنامه فارسی (کاغذآخبار ۱۲۵۳ ه. ق) در کشور ما می‌گذرد، اما آنچه در این میان نتوانست به رشد حرفه‌ای برسد، زن روزنامه‌نگار ایرانی است. و این ناکامی نه به دلیل ضعف‌های شخصیتی و یا درک ذاتی زن است که حاصل تأثیرات بافت فرهنگی، اجتماعی ماست که در تقابل با ویژگی‌های حرفه روزنامه‌نگاری سبب شد تا تلاش‌های زنان در این مسیر ناکام بماند.

لازمه کار حرفه‌ای در مطبوعات، حضوری مستمر در جامعه است زمان و مکان، دو عنصر با ارزش کارند که در همین گام اول برای زنان، معادلات به هم می‌خورد. نقش مدیریتی زن ایرانی در خانه به عنوان هسته اصلی خانواده، زن را از حضور مستمر در محیط اجتماعی باز می‌دارد. در سال‌های گذشته زنان بسیاری به حرفه روزنامه‌نویسی روی آورده‌اند و گاه به موفقیت‌هایی نیز رسیده‌اند اما این حضور استمرار نداشته است. □<sup>۳۶</sup>

پی‌نوشت‌ها:

۱. «به‌نظر آنتونیو گرامشی مارکسیست ایتالیایی (۱۸۹۱-۱۹۳۷) جامعه سرمایه‌داری از سه سطح تشکیل شده است:

جامعه اقتصادی (روابط اقتصادی)، جامعه سیاسی (دولت) و جامعه مدنی. از دید وی سازمان‌های به اصطلاح خصوصی که ظاهراً خارج از حیطه نفوذ و اقتدار دولت قرار دارند مانند کلیسا، اتحادیه‌های کارگری، مدارس، کتابخانه‌ها، انواع مختلف کلبه‌ها و گروه‌هایی‌ها از اجزای سازنده جامعه مدنی می‌باشند و مطبوعات، بخش فعال جامعه مدنی هستند. دکتر شاپور رواسانی. «جامعه مدنی چیست»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی آذر و دی ۱۳۷۶، ش ۳ و ۴، ص ۲۶.

۲. دکتر حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸، ص ۲۰۶.

۳. دکتر منصوره اتحادیه. «بیداری زنان در انقلاب مشروطیت»، روزنامه سلام، چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۷۶، ش ۱۹۹۰، ص ۹.

۴. همان، ص ۹.

۵. همان، ص ۹.

۶. دکتر حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۲۰۷.

۷. دکتر منصوره اتحادیه. «بیداری زنان در انقلاب مشروطیت»، ص ۹.

۸. سیدفرید قاسمی. راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲، صص ۲۷۸-۲۹۱.

۹. محمد صدرهاشمی. تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۲۶۶-۲۶۷.

۱۰. دکتر منصوره اتحادیه. «بیداری زنان در انقلاب مشروطیت»، ص ۹.

۱۱. استاد محیط طباطبایی. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۶، ص ۱۷۲.

۱۲. همان، ص ۱۷۲.

۱۳. دکتر حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۸.

۱۴. همان، ص ۲۰۹.

۱۵. معصومه کیهانی. بررسی مطبوعات زنان ایران، روزنامه هفت‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۷۲، ش ۱۱۵، ص ۶.

۱۶. معصومه کیهانی. «نگاهی به مطبوعات زنان در ایران از ۱۳۲۸ ق. تا ۱۳۷۱ ش»، ماهنامه کلک، ش ۳۴ (دی ۱۳۷۱)، صص ۹۱-۷۳.

۱۷. میترا باقریان. «بررسی اقتصادی فعالیت‌های مطبوعاتی زنان»، ماهنامه زنان، فروردین ۱۳۷۱، ش ۳، ص ۲۵.

۱۸. این آمار از دو منبع زیر اخذ شده است:

الف: فرید ادیب‌هاشمی. «آموزش روزنامه‌نگاری دغدغه بی‌پایان»، فصلنامه رسانه، زمستان ۱۳۷۳، سال پنجم، ش ۴، ص ۱۱.

ب: دکتر محسنیان‌راد (و همکاران). روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳، ص ۳۲.

۱۹. محسنیان‌راد. «مهم زنان در رسانه‌ها». زن در رسانه (مجموعه مقالات سمینار زن و رسانه‌ها)، تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست‌جمهوری، زمستان ۱۳۷۴، صص ۷۴-۷۵.

۲۰. همان، ص ۷۵.

۲۱. سولیا پوریامین. «زن در رسانه‌های تصویری»، زن در رسانه، (مجموعه مقالات سمینار زن و رسانه‌ها)، ص ۴۳.

۲۲. لیلارستگار. «انتخاب دانشجوی روزنامه‌نگار آزمون ویژه می‌خواهد». فصلنامه رسانه، زمستان ۱۳۷۳، ش ۴، سال پنجم، ص ۱۱.

۲۳. کاظم متولی. «زنان و مدیریت روابط عمومی»، روزنامه سلام، سه‌شنبه ۹ دی ماه ۱۳۷۶، ش ۱۹۱۱، ص ۵.

۲۴. میترا باقریان. «بررسی اقتصادی فعالیت‌های مطبوعاتی»، ص ۲۳.

۲۵. سعید برزین. «انجمن‌های مطبوعاتی ایران تا سال ۱۳۵۷». فصلنامه رسانه، پاییز ۱۳۷۰، سال ۲، ش ۳، صص ۵۹-۶۰.

26. World Association of Women Journalists and Writers.

۲۷. میترا باقریان. «بررسی اقتصادی فعالیت‌های مطبوعاتی زنان»، ص ۲۳.

۲۸. «روزنامه‌نگاری در ایران، دیروز، امروز، فردا»، فصلنامه رسانه، بهار ۱۳۶۹، سال اول، ش ۱، ص ۹.

۲۹. معصومه سرداری. «افزایش بهره‌وری زنان، عامل مهم توسعه»، هفته‌نامه مشعل (وزارت نفت)، شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۷۵، سال دوم، ش ۷۹، ص ۴.

۳۰. دکتر کاظم متمدن‌زاد. روزنامه‌نگاری بافصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر، تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۶۸، ج ۳، صص ۵۲۶-۵۲۷.

۳۱. معصومه سرداری. «افزایش بهره‌وری زنان، عامل مهم توسعه»، ص ۴.

۳۲. «زنان فصل حضور تازه در جامعه»، روزنامه هفت‌شنبه، شنبه ۳ آبان ۱۳۷۶، ش ۱۳۹۰، ص ۵.

۳۳. عقیله سلطانیپور. «تأثیر انقلاب اسلامی بر وضع آموزشی علمی و اشتغال زنان»، کیهان‌هوایی، چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۷۶، ش ۱۳۷۶، ص ۱۱.

۳۴. لیلارستگار. «انتخاب دانشجوی روزنامه‌نگاری آزمون ویژه می‌خواهد». ص ۱۱.

۳۵. میترا باقریان. «بررسی اقتصادی فعالیت‌های مطبوعاتی زنان»، ص ۲۴.

۳۶. عذرآ، ذم. «در مطبوعات، زن بودن بزرگترین مشکل است»، ماهنامه آدینه، اسفند ۱۳۷۲، ش ۹۱ و ۹۰، ص ۸۶.